



مقابله با رکود جهانی

چین: لنگری برای جهان

اقتصاد چین بهتر از همه جهان پیش می‌رود.

اطلاعات اقتصادی چین در سه ماهه نخست سال ۲۰۰۹ که در آن رشد محصول ناخالص داخلی، معادل ۶/۱ درصد در سال بود، هرچند آغازگر گزارش‌هایی از روند بهبود وضعیت اقتصادی این کشور است، اما گزارش ماه آوریل، محاسبات را کمی به هم ریخت و نشان داد که اقتصاد این کشور هنوز با چالش‌های بزرگی روبه‌رو است.

در سه ماه نخست ۲۰۰۹ چین توانست از طریق افزایش سطح تسهیلات، رکود شدید اقتصادی را از خود دور کند. طی ماه‌های ژانویه تا آوریل، سرمایه‌گذاری دارایی‌های ثابت با بیشترین سرعت از سال ۲۰۰۴ - زمانی که مقامات این کشور سرمایه‌گذاری‌های اضافی را محدود کردند - معادل ۳۰/۵ درصد افزایش یافته است. با فرض این که اصلی‌ترین عناصر سرمایه‌گذاری، یعنی تولید صنعتی برای صادرات و توسعه املاک، در حال ورود به دوره رکود باشند، افزایش سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت تا حدی چشمگیر به نظر می‌رسد.

حال سؤال این است که زمانی که سرمایه‌گذاری‌ها به سرعت در حال افزایش هستند، چرا سهم آنها در رشد محصول ناخالص داخلی در سه ماهه نخست سال - که معادل ۲ درصد از کل ۶/۱ درصد است - بسیار کم است؟ معضل قابل ذکر دیگر در این راستا

آن است که تولید برق در این کشور همچنان در حال کاهش است؛ به طوری که تولید سالانه آن در ماه آوریل، در حدود ۳/۵ درصد کاهش یافته که البته دلیل آن، سطح مصرف بالای صنایع زیان‌ده انرژی‌بر همانند فولاد و سیمان، است. به علاوه، رشد سالانه تولید صنعتی از ۸/۳ درصد در ماه مارس به ۷/۳ درصد در ماه آوریل رسیده که این کاهش رشد، موجب بروز نگرانی‌های بیشتری شده است. بسیاری از ناظران موافقت که افزایش موفقیت‌آمیز سرمایه‌گذاری دارایی‌های ثابت، به انجام فعالیت‌های اقتصادی در سه ماه نخست سال کمک کرده است.

به طور خلاصه، موج اخیر سرمایه‌گذاری‌های اعتباری که توسط دولت هدایت می‌شوند از یک سقوط اقتصادی که ممکن است به افزایش نرخ بیکاری منجر شده و یقیناً به روند رو به رشد اقتصادی این کشور آسیب رساند، جلوگیری خواهد نمود. به هر حال، عبور از این شرایط کوتاه‌مدت و اعلام چین مبنی بر خروج از بحران و بازگشت مجدد به مسیر رشد دو رقمی، جهش بزرگی در اقتصاد محسوب می‌شود.

راه طولانی تا مقصد

تسریع روند شهرنشینی و حرکت به سمت

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۵۰ باتلاق یورو

۵۱ حزب الله در مقابل ۱۴ مارس

۵۲ بُهت FDI

۵۳ تحولات اقتصادی جهان

۵۴ تحولات سیاسی جهان

۵۴ طرح ماه

گسترش توسعه روستایی نشان‌دهنده این است که فرصت‌های بسیاری برای سرمایه‌گذاری وجود دارد که البته بازگشت خالص مثبتی هم دارد. برخی مناطق روستایی چین، قطعاً به جاده، پل و راه‌آهن‌های بیشتری نیاز دارد. اما مقامات مرکزی چین، توانایی کافی برای کنترل تمایل دولت‌های محلی - که خواهان صرف پول بیشتری در پروژه‌های "فیل سفید" (پروژه‌های سرمایه‌گذاری که گران به دست می‌آیند، ولی کم‌مصرف و بی‌فایده هستند) می‌باشند - را ندارند. تغییر ناگهانی در سیاست دولت مرکزی نسبت به تسهیل در سیاست‌های پولی، این اجازه را به مقامات محلی داده است تا با فراهم آوردن اعتبار و اجرای سیاست‌های "خرید داخلی" به حمایت از بنگاه‌های اقتصادی در بخش‌های خود بپردازند.

به نظر می‌رسد دولت مرکزی به این مشکلات پی برده باشد، چراکه در ماه مه، وزیر صنعت و تکنولوژی اطلاعات چین دستورالعمل‌هایی را مبنی بر این که وام‌دهی به کارخانه‌های فولاد - که با استفاده از تأسیسات قدیمی به فعالیت مشغولند - کاهش یابد، به بانک‌های چین فرستاد. در این میان، مشکلات بانک‌ها هم به همراه افزایش ناگهانی وام‌دهی، به شدت جلب توجه می‌کند. لیو مینکانگ، رئیس کمیسیون نظارتی بانکداری چین، اخیراً به بانک‌ها هشدار داده است که به ریسک فزاینده حاصل از افزایش وام‌دهی‌های اخیر توجه خاصی کنند و این مسأله را در نظر داشته باشند که مقابله با اثرات بحران مالی جهان، وظیفه‌ای بلندمدت است.

با افزایش بیکاری و بلااستفاده ماندن مقادیر

گسترده‌ای از ظرفیت صنعتی جهان به دلیل وقوع بحران

اروپا در بحران

باتلاق یورو

مالی، بسیار خوش‌بینانه است که معتقد باشیم تقاضا برای واردات، حتی در سال ۲۰۱۰ دویاره به حال اول بازمی‌گردد. در ماه آوریل، صادرات چین ۲۲/۶ درصد کاهش یافت. بدتر آن که حتی این کاهش عظیم هم نمی‌تواند انتهای بحران باشد، چراکه انتظار می‌رود طی سال ۲۰۰۹ صادرات ۱۹ درصد کاهش یافته و تنها در سال ۲۰۱۰ به مقدار نامحسوسی بهبود یابد.

از طرف دیگر، در سه ماهه نخست سال، عوامل متعددی دست به دست هم دادند و توانستند میزان خرده‌فروشی را افزایش دهند، به طوری که در ماه آوریل، نرخ سالانه خرده‌فروشی نسبت به دوره مشابه قبل ۱۴/۸ درصد افزایش یافت. دلیل این امر می‌تواند تا حدی به محرک‌های ارایه شده توسط دولت باشد که از ارایه کوپن برای کالاهای مصرفی تا تخفیف برای کالاهای الکترونیکی در مناطق روستایی را شامل می‌شد. به علاوه، گرچه رشد درآمد در سه ماهه نخست سال به کندی گرایید، اما به دلیل کاهش شدید سطح قیمت‌ها، قدرت خرید واقعی مصرف‌کننده افزایش یافت. به اعتقاد کارشناسان، این روند در نیمه دوم ۲۰۰۹ ادامه نخواهد یافت و تأثیر محرک‌ها کم‌رنگ خواهد شد.

بازگشت به فرصت‌های خوب، نه فرصت‌های بزرگ

در حالی که این عوامل حاکی از هشدار در مورد چشم‌انداز بهبود وضعیت اقتصادی چین است، رشد ۶/۵ درصدی طی رکود جهانی، همچنان عملکردی قابل ملاحظه به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد روند سرمایه‌گذاری - البته با سرعتی کمتر - همچنان افزایش یابد. در این میان، رونق قابل توجه فروش مسکن در ماه‌های گذشته - حتی با قیمت‌های پایین - نشان می‌دهد که بهبود سرمایه‌گذاری در املاک زودتر از حد انتظار رخ خواهد داد. به علاوه برای روزهای باقیمانده سال، با توجه به آن که بسیاری از شرکت‌ها تاکنون تسهیلات اعتباری خود را تأمین کرده‌اند، حتی اگر سیاست پولی تعدیل شود، تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری چشمگیر نخواهد بود.

مسئله حایز اهمیت آن است که سرمایه‌گذاری - حتی به صورت زیرساختی - برای گسترش ظرفیت تولید طراحی شده است و تولید، نیازمند یک مصرف‌کننده نهایی است. در گذشته، تقاضای خارجی زیاد، جذب‌کننده عرضه فراوان کالاهای چین بود که آهنگ توسعه اقتصادی را به عددی دو رقمی رساند، اما اکنون بدون بهبود در بازارهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و یا افزایش چشمگیر مصرف داخلی، برای چین سخت خواهد بود که در آینده‌ای نزدیک بتواند به نرخ رشد پیشین خود بازگردد. ■

اقتصاد حوزه یورو سریع‌تر از آنچه که همگان از آن واهمه داشتند، در حال فرو رفتن در رکود است.

آمده است، اما کشورهای همانند آلمان و ژاپن که اقتصادشان بیشتر از همه دچار آسیب شده، برای رسیدن به رونق اعتباری هیچ تلاشی نکردند. در این میان، برخی کشورها که اقتصادشان کمتر درگیر بحران بوده است، حداقل از نظر محصول ناخالص داخلی، روند بهتری را تجربه کرده‌اند. به عنوان مثال، با این که رکود ساخت و ساز در اسپانیا مشکلاتی همانند بیکاری و کاهش درآمدهای مالیاتی را به وجود آورده،



اما اقتصاد این کشور، کمتر از آلمان دچار رکود شده است.

از طرف دیگر، علیرغم همه‌گیر شدن موج بحران در اروپا، مردم این قاره کمتر از اهالی آمریکا یا بریتانیا آن را حس می‌کنند. این امر به دلیل بازارهای کار غیر قابل انعطاف اروپا است که ممکن است مانع از رشد اشتغال در این قاره شوند، اما در عوض از روند پُرسرعت تعدیل نیرو در زمان رکود نیز جلوگیری می‌کنند. گفتنی است نرخ بیکاری آلمان در سال گذشته تغییر چندانی نکرده است. بدترین آمار اشتغال در میان کشورهای حوزه یورو، متوجه کشورهای ایرلند و اسپانیا است که نرخ بیکاری در آنها طی سال گذشته تقریباً ۲ برابر شده است. ایرلند یکی از منعطف‌ترین اقتصادهای منطقه یورو به شمار می‌رود و اسپانیا هم گرچه انعطاف‌ناپذیری خود را حفظ کرده، اما در زمان اوج رونق اقتصادی، تنها یک سوم کارگران این کشور از قراردادهای ثابت برخوردار بودند که این امر باعث خواهد شد، اشتغال در این کشور به سرعت و به راحتی از بین برود. در هر دو کشور، بسیاری از شغل‌ها - به خصوص در صنعت ساختمان به دلیل سقوط شدید ساخت و ساز مسکن - در حال از بین رفتن است. ◀

کشورهای حوزه یورو در حال فرو رفتن در باتلاقی هستند که حتی در صورت بهبود اوضاع اقتصاد جهان، راهی بسیار سخت و طولانی برای خروج از آن و بازگشت به دوران رونق در پیش خواهند داشت. آمار و ارقامی که در نیمه ماه مه منتشر شد، نشان داد که محصول ناخالص داخلی در ۱۶ کشور حوزه یورو در سه ماهه اول ۲۰۰۹ در حدود ۲/۵ درصد سقوط کرده است؛ کاهشی که ۱۰ درصد از آنچه که تحلیل‌گران از آن بیم داشتند بیشتر است. در میان این کشورها، آلمان که از اقتصاد قدرتمندی برخوردار است، کاهش بیشتری را تجربه کرده است. در سه ماهه پیش از آغاز ماه مارس، محصول ناخالص داخلی این کشور کاهش ۳/۸ درصدی را تجربه کرد که از زمان آغاز بحران در سال گذشته، حدوداً ۷ درصد سقوط کرده است. در این مدت، محصول ناخالص داخلی ایتالیا در حدود ۲/۴ درصد و اسپانیا ۱/۸ درصد کاهش یافته و کاهش ۱/۲ درصدی این نرخ در فرانسه - با این که فراتر از هر استاندارد طبیعی است - یک رونق محسوب می‌شود. این ارقام، تأکیدی است بر این واقعیت که منطقه یورو به واسطه بحران جهانی، بیش از هر منطقه ثروتمند دیگری در آمریکا و بریتانیا و بزرگترین بازارهای صادرات جهان، دچار آسیب شده است.

از طرف دیگر، با قطع مخارج در کشورهای منطقه یورو به علت کمبود اعتبار، مشکلات مذکور به عرضه‌کنندگان منتقل می‌شوند. به همین دلیل، بهایی که آلمان تاکنون برای اتکا به صادرات پرداخته بیشتر از بهایی است که کشورهای انگلوساکسون به علت وابستگی به اعتبار و افزایش قیمت مسکن پرداخته‌اند.

از زمان فروپاشی بانک لیمان برادرز در ماه سپتامبر، تولیدکنندگان وابسته به صادرات، بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند. به عنوان مثال، اسلوواکی به عنوان تازه‌ترین عضو منطقه یورو، با سقوطی ۱۱/۲ درصدی در میزان محصول ناخالص داخلی خود، در سه ماهه اول سال جاری رویه‌رو شد که علت این امر وابستگی شدید اقتصاد این کشور به صنعت خودروسازی بوده و سبب شده خسارات وارده بر اقتصاد اسلوواکی حتی از آلمان هم سنگین‌تر باشد.

از سوی دیگر، اگرچه بحران مالی اخیر به دلیل وضعیت جهانی مسکن و سقوط اعتباری به وجود